

اشتراک همه شغل ها

همه شغل ها در ۲ چیز با هم مشترکند.

۱. به آنها مشغول می شوید تا پول به دست بیاورید.

۲. پول از سمت مردم به شما می رسد.

پس کسی نیست که بگوید من فلان شغل را فقط و فقط برای

رضای خدا انجام می دهم و هیچ پولی هم نمی خواهم و همه ما

کار می کنیم تا پول بدست بیاوریم.

اشتراک دوم همه شغل ها در اینست که پولشان از سمت مردم

به دست ما می رسد خواه به صورت مستقیم باشد خواه به

صورت غیر مستقیم.

حتی کارمندان دولت که می گویند ما با مردم کاری نداریم حتما

می دانند پولی که دولت به حسابشان واریز می نماید از بیت

المال مسلمین است و حتی در دولت های غیر اسلامی نیز این

پول را از عوایدی که از مردم دریافت می کنند می پردازند.

احوال مردم در پول مشاغل

حال در هر شغلی هستید بنشینید و یک بار به این سوال پاسخ دهید که وقتی مردم پولی را به من می دهند خودشان در چه حالتی هستند؟

سه حالت برای مردم در پول هر شغلی امکان دارد.

۱. حالت خوشحالی

۲. حالت بی تفاوتی

۳. حالت ناراحتی

برای اینکه درک بهتری از این موضوع پیدا کنید مثال هایی از هر یک برایتان می زنیم تا بهتر متوجه این ماجرا شوید.

شخصی که مغازه لباس فروشی دارد پولی را از مردم می گیرد.

مردم زمانی که به او پول می دهند خوشحالند یا بی تفاوتند یا

ناراحتند؟ یقیناً خوشحال هستند چون می خواهند لباسی بخرند.

همینگونه است شغل قصابی و بنایی و نجاری و ...

حال راننده ای را تصور کنید که مردم را از نقطه ای به نقطه دیگر جابجا می کند و پول از مردم می گیرد.

مردمی که به او پول می دهند خوشحالی یا بی تفاوت یا ناراحت؟ اکثرشان بی تفاوتند یعنی برای اینکه حالا سوار ماشین این آقا یا خانم شده اند حس خوشحالی یا ناراحتی ندارند.

سوار ماشین شدن یک پدیده رایج و معمولی است و معنای خاصی از خوشحالی یا ناراحتی ندارد.

سوپرمارکت ها و معلم ها و بسیاری از مشاغل در این دسته اند. حال یک وکیل یا پزشک را تصور کنید.

مردمی به سمت اینها می آیند در چه حالتی هستند؟

حتما مشکل و اختلافی برایشان پیش آمده که نزد وکیل آمده وگرنه مردم را با وکیل کاری نیست.

یا دچار درد و بیماری شده که سراغ پزشک آمده است وگرنه چه لزومی دارد خودش را به پزشک برساند.

پس دانستیم هر شغلی با حالات مردم رابطه ای دارد.

نویسنده می خواهد چه بگوید؟

نویسنده قصد دارد شما خوانندگان عزیز را به این نکته متوجه سازد که به نظر شما یک پزشک در قلب خود آیا دوست دارد همه مردم جهان سالم باشند و به هیچ مشکلی نخورند؟ خیر، اگر اینگونه شود او از فقر خواهد مرد چرا که ثروتش در گرو بیمار شدن مردم است.

آیا یک وکیل می تواند در قلبش این دعا را داشته باشد که خدایا هیچ اختلافی بین مردم نباشد؟

خب اگر هیچ اختلافی نباشد که او به درآمدی نخواهد رسید. پزشکان و وکلا نانشان را از ناراحتی مردم به دست می آورند و مسلم است اگر مردم بدون درد و اختلاف شوند آنها فقیر خواهند بود و هر چقدر درد و اختلاف بیشتر باشد بازار آنها نیز رواج بیشتری خواهد داشت.

برای راننده هم فرقی نمی کند مردم خوشحال باشند یا ناراحت.

هر چند اکثر رانندگان تاکسی دوست دارند که مردم فقیر بمانند چون اگر مردم پولدار شوند همه برای خودشان ماشین خواهند خرید و کسی سوار ماشین او نخواهد شد.

اگر اسلام طبابت و وکالت را کراهت داده به همین دلیل است که این شغل ها خواسته شان مخالف خواسته مردم است.

به نظر شما روانشناسان و کارشناسان کودک و خانواده دوست دارند هیچ مشکلی در خانواده ها و کودکان نباشد یا باشد؟

به نظر شما بازیگران دوست دارند همه مردم ثروتمند باشند یا هر چه فقیرتر بهتر؟

ثروتمندان بیشتر به سینما می روند و پای سریال ها می نشینند یا فقیران و درماندگان؟

اکثرتان اگر صاحب شغلی باشید که روزی تان در گرو فقر و بدبختی مردم باشد نخواهید پذیرفت و از طرفی جامعه به این شغل ها هم نیاز دارد اما باید قبول کنید که شما نمی توانید خواهان خوشبختی و ثروت مردم باشید چون مخالف شماست.

به نظرتان تاجر چه می خواهد؟

کار تاجر چیست؟

فروش محصولات تجاری به صورت عمده.

پس چه زمانی ثروتمندتر می شود؟

زمانی که مردم بیشتر محصولاتش را خریداری نمایند.

مردم چه زمانی یک محصول را بیشتر خریداری می کنند؟

زمانی که پول بیشتری داشته باشند پس دعای شب و روز تاجر

اینست که پروردگارا مردم را ثروتمندتر کن.

یک تاجر می داند اگر مردم سالم باشند بیشتر غذا می خورند تا

اینکه مریض باشند پس اگر محصولش خوراکی باشد دعایش

سلامتی مردم است.

اگر محصولش پوشاک باشد می داند که مردم سالم بیشتر

بیرون می روند تا مردم مریض پس باز هم سلامت مردم را از

خداوند می خواهد.

اگر کارش محصولات ساختمانی باشد همواره دلش می خواهد مردم پولدار و شاد و سرحال باشند تا بیشتر خانه بسازند و به خانه هایشان برسند چون اگر نداشته باشند و یا مریض باشند حس و حالی برای ساخت خانه ندارند.

و به هر گونه از تاجران نگاه کنی می بینی که قلبشان خواهان عزت و ثروت مردم است مگر استثنایی از تجارت ها که خداوند آنها را نیز مکروه اعلام کرده است هر چند ضرورت دارد.

پس به مزایای تجارت در کنار اینکه نه دهم ثروت را در خود جای داده است، دو سوم عقل در تجارت است، عزت و شأن و جایگاه اجتماعی بالا در تجارت است این را هم اضافه کنید که یک تاجر نه تنها برای خودش رفاه و آسایش و آرامش می خواهد بلکه برای همه مردم کشورش و جهان این را خواستار است.

یک تاجر نه تنها برای خودش پول را دوست دارد بلکه این را ترجیح می دهد که همه مردم کشورش و جهان پولدار و ثروتمند باشند تا محصولات بیشتری خرید نمایند و این یعنی خوشبختی.